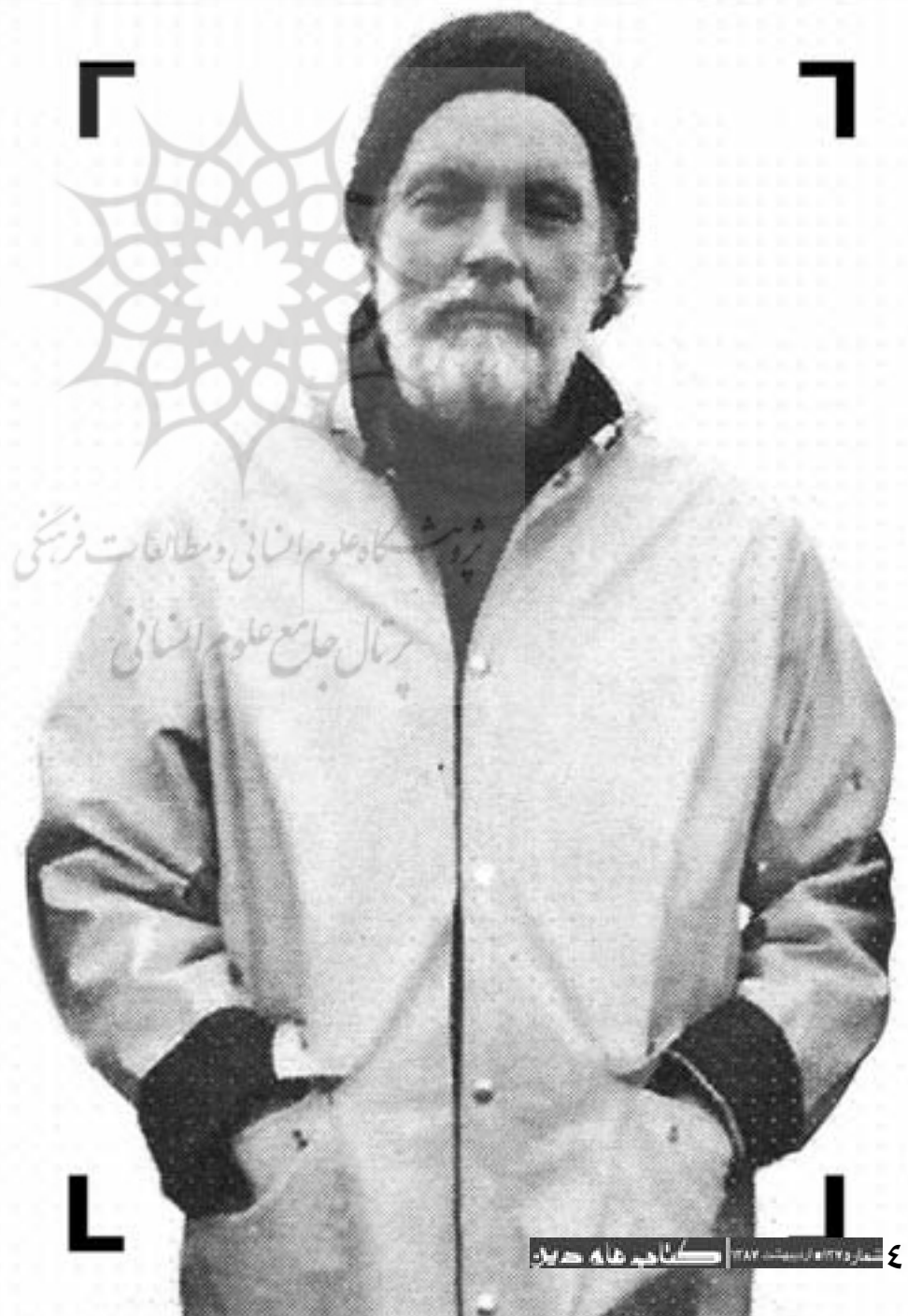


# پہ جسٹس کا غریبی و پ

گزارشی از آیین بزرگداشت ویلیام چیتیک



پیشکش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرنال جامع علوم انسانی

# کتابخانه جهانی ایران‌شناسی

در آیین بزرگداشت شخصیت علمی و فرهنگی ویلیام چیتیک، علاقه‌مندان و آشنایان به آثار او گردآمدند و کوشش و کوشش او را در بازشناسی و بازخوانی فرهنگ و عرفان ایرانی - اسلامی ستودند. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بانی و میزبان این آیین بود.

**مهدی محقق: چیتیک عمرش را وقف شناساندن فرهنگ و ادب ما به غربی‌ها کرده است**

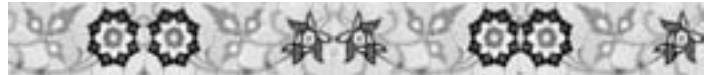
مهدی محقق رئیس هیات مدیره این انجمن در آغاز یادآور شد: هدف از برگزاری این همایش این نیست که یک عالم و دانشمند نیاز داشته باشد که مورد تقدیر و تشویق کسی قرار گیرد، بلکه هدف این است که نسل جوان با این چهره‌ها آشنا شوند و با بزرگان ادب آشنا شوند و انگیزه‌ای در آن‌ها ایجاد شود که رهرو آنها باشند، وگرنه ذات علم به گونه‌ای است که نیازی به تقدیر و تشکر زبانی ندارد.

وی ادامه داد: کسی مانند ویلیام چیتیک که تا این حد برای شناساندن فرهنگ این مملکت به مغرب‌زمین زحمت کشیده باید شناسانده شود. ویلیام چیتیک افراد کلیدی فرهنگ و ادبیات ما را برای کار و پژوهش مدنظر قرار داده است. عبدالرحمن جامی، شیخ محمود شبستری، نورالدین اسفراینی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، بابا افضل کاشانی، محیی‌الدین بن عربی و ... کسانی هستند که از کلیدهای اصلی فرهنگ ما هستند. محقق افزود: تلاش‌های چیتیک برای شناساندن این افراد به جامعه غرب بسیار مثمر ثمر واقع شده است. او عمرش را وقف شناساندن فرهنگ و ادب ما به غربی‌ها کرده است.

محقق در ادامه گفت: چیتیک در معرفی پیامبر اکرم(ص) و امام حسین(ع) و همچنین امام سجاد(ع) به غرب سهم به‌سزایی دارد. ترجمه او از صحیفه سجادیه موقعیتی شایسته در غرب یافت و برخی از کشیشان واتیکان را شیفته مناجات‌ها و ادعیه آن امام همام کرد و آن‌ها را وادار کرد که در اوراد و اذکار خود از این ادعیه اقتباس کنند.

**اعوانی: چیتیک در روزگار ما بیش‌ترین سهم را در معرفی فرهنگ ایرانی - اسلامی به جهان امروز داشته است**

غلامرضا اعوانی رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه اسلامی نیز در این آیین سخن خود را با یادآوری دوران دوستی و معاشرت خود با چیتیک آغاز کرد و گفت: سخن گفتن از دوستی که سال‌ها با وی هم‌نشینی و معاشرت داشته‌ام و چند سالی هم با وی به اصطلاح طلاب هم‌حجره بودم، به‌غایت دشوار است.



وی ادامه داد: بنده چیتیک را برای اولین بار در سال ۱۳۴۶ در یکی از کلاس‌های دکتر نصر - که برای دانشجویان خارجی درسی را به نام «فرهنگ و تمدن اسلامی» ارائه می‌کرد - ملاقات کردم. چیتیک درصدد یافتن خانه و همیاری موافق و همدل بود. بنده در آن سال‌ها در منطقه سمنگان تهران اجاره‌نشین بودم و مدتی بود که سعی می‌کردم اتفاقی را در نزدیکی دانشگاه تهران کرایه کنم؛ تا هم به محل تحصیل و هم به محل کارم نزدیک باشد. در همان اوان مرحوم استاد دکتر سید احمد فرید که مشغول نگارش فرهنگ فلسفی در محل بنیاد فرهنگ ایران بود، اینجانب را برای همکاری دعوت کرده بود.

اعوانی گفت: پیشنهاد چیتیک را برای یافتن اتفاقی یا آپارتمانی در نزدیکی دانشگاه تهران پذیرفتم و بلافاصله برای یافتن آن به جست‌وجو پرداختیم، و بالاخره بعد از یکی دو هفته دو اتاق روبه‌روی هم را در خانه‌ای واقع در کوچه آسمان، انتهای ضلع جنوبی دانشجو، یافتیم؛ خانه بسیار بزرگی بود و حیاطی وسیع داشت. اتاق کوچک‌تر را آقای چیتیک و اتاق بزرگ‌تر را بنده (البته به پیشنهاد آقای چیتیک) به اتفاق گرفتیم.

وی افزود: بعداً متوجه شدم که هم چیتیک و هم این بنده کمترین، هر دو، فارغ‌التحصیل دانشگاه آمریکایی بیروت هستیم. ایشان سال آخر دانشگاه را در رشته تاریخ در این دانشگاه گذرانده بودند، ولی جالب توجه این که ما یکدیگر را در آن دانشگاه ندیده بودیم و هم ایشان و هم من و عده‌ای دیگر از دانشجویان از جمله مرحوم دکتر محمد عبدالحق (استاد دانشگاه بنگلادش)، تحت تأثیر کلاس‌های دکتر نصر که در فلسفه اسلامی و تاریخ علوم اسلامی تدریس می‌کردند، همه برای ادامه تحصیل به دانشگاه تهران آمده بودیم.

اعوانی ادامه داد: بنده در همان سال ورود در امتحان کارشناسی ارشد فلسفه شرکت کرده قبول شدم و بعد در دوره دکترا ادامه تحصیل دادم. در سال ۱۳۵۱، برادر ما استاد چیتیک با بانوی دانشمند و عالمه فاضله (که ایشان هم در مراتب علم و فضل دست‌کمی از آقای چیتیک ندارد) که در آن زمان دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران بودند، پیوند ازدواج و عقد زناشویی بستند و به ناچار خانه‌ای را که پنج سال در آن با هم سکونت داشتیم، ترک کردند و در آپارتمانی در خیابانی روبه‌روی دانشگاه تهران رحل اقامت افکندند.

اعوانی در ادامه گفت: من هم سه‌سالی بود که نخست به عنوان مدرس زبان انگلیسی و سپس مدرس فلسفه در دانشگاه شهید بهشتی استخدام شده بودم و توانستم خانه‌ای را در یوسف‌آباد که محیط دوستان، آشنایان و خویشاوندان بود، اجاره کنم.

وی افزود: استاد بدیع‌الزمان فروزانفر بسیار علاقه‌مند به آموختن زبان انگلیسی بودند، چیتیک هم از این موقعیت استفاده کرد و هر هفته نزد فروزانفر می‌رفت و در خلال یاد دادن زبان انگلیسی به او، سؤالات و مشکلات خود را هم مطرح می‌کرد. دوست دیرین چیتیک افزود: استاد چیتیک، سخت دلبسته فرهنگ ایرانی - اسلامی و فرهنگ شیعی است و خدمات بس‌ارزنده‌ای در این خصوص انجام داده است. با در نظر گرفتن اینکه زبان فارسی زبان مادری ایشان نیست، آن را با فصاحت



و سلاست صحبت می‌کند (بدون هیچ یادداشتی سه جلسه، هر کدام به مدت دو ساعت برای دانشجویان دوری دکتری درباره معنای وحدت وجود در ابن‌عربی سخن گفت). در آمریکا هم با خانم خود بیش‌تر به زبان فارسی صحبت می‌کند. او سخت شیفته هنر ایرانی است. در هر جا باشد خانه او آکنده از بهترین نمونه هنردستی با سبک سنتی ایرانی است.

این استاد دانشگاه گفت: در یک کلمه، چیتیک دست‌پروده فرهنگ ایرانی - اسلامی و مایه افتخار این فرهنگ است و یکی از معدود کسانی است که در روزگار ما بیش‌ترین سهم را در معرفی این فرهنگ به جهان امروز داشته است.

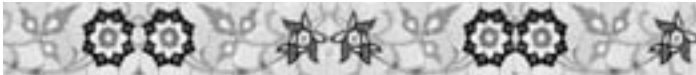
### چیتیک: خاطرات ایران جز خوبی و مهربانی نبوده و

#### نیست

آن‌گاه که نوبت به سخن گفتن چیتیک رسید، بیان داشت: من امروز از دیدن دوستان قدیمی‌ام در یک چنین مراسم زیبایی که خیلی مرا خوشحال کرد، گرد هم آمدند بسیار خرسندم. کاملاً مشخص است که من ایران را خیلی دوست دارم و از در ایران بودن لذت می‌برم. ولی متأسفانه به دلیل مشغله کاری‌ام خیلی نمی‌توانم به ایران سفر کنم.

وی ادامه داد: زمانی که من دانشجو بودم مثل همه جوانان دیگر سردرگم بودم و هیچ هدفی در زندگی نداشتم. پدر و مادرم خیلی ناراحت بودند و به من می‌گفتند که تو واقعاً چکار می‌خواهی بکنی؟ واقعاً نمی‌دانستم که آینده چه می‌شود و من برای چه هستم؟

چیتیک افزود: شوهرخاله من یک مرد ژاپنی است. من به پیشنهاد او و خاله‌ام به ژاپن رفتم و یک‌سال آنجا درس خواندم و سپس به اوهایو بازگشتم و تحصیلاتم را از سر گرفتم. دانشگاه اوهایو به من اعلام کرد که می‌توانی برای تحصیل به ژاپن و یا بیروت بروی. با خودم گفتم که من ژاپن رفته‌ام، پس می‌روم بیروت. رشته اول من ریاضیات بود، بعد رشته‌ام را عوض کردم و سراغ روان‌شناسی رفتم. بعد وقتی تصمیم گرفتم به بیروت بروم، گفتم تاریخ اسلام بخوانم.



## حداد عادل: چیتیک فردی صمیمی، صریح، ساده، پرکار، پاک، عفیف، نجیب و دانش پژوهی حقیقی است

دیگر سخنران این محفل، دیگر دوستِ دیرینِ چیتیک، غلامعلی حداد عادل بود:

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی سبب شد که من به خاطرات گذشته برگردم و یاد تقریباً ۴۰ سال پیش در وجودم زنده شود. زمانی که هیچ موی سپیدی بر سر و صورت چیتیک و من نبود. سابقه آشنایی من و چیتیک به سال ۵۱ بر می‌گردد. در آن زمان ما در دانشگاه صنعتی شریف تحت نظر نصر، یک مرکز آموزش علوم انسانی تأسیس کرده بودیم و غرض آن بود که دانشجویان این دانشگاه در کنار علوم پایه و مهندسی و ریاضیات با معارف اسلامی و علوم انسانی تا اندازه‌ای آشنا شوند.

حداد عادل افزود: من و چیتیک همراه دیگران، از جمله پورجوادی، هفت سال در این مرکز با یکدیگر همکاری بودیم. از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ و اتاق کار ما هم در کنار یکدیگر بود و دائماً با هم حشر و نشر داشتیم و ایام بسیار خوب و خوش و پرخاطره‌ای را گذراندیم. یکی از بزرگترین نعمت‌های آن دوران دوستی و آشنایی و همکاری من با ویلیام چیتیک بود.

حداد عادل افزود: در آن زمان دانشگاه صنعتی شریف یک میدان وسیع بود برای حرکت پرشتاب به سوی تجدد. توجه استادان و دانشجویان یکسره معطوف به غرب و خصوصاً آمریکا بود و این‌گونه بود که مجموعه استادان جوان دانشگاه از آمریکا و اروپا دعوت شده بودند و اعتقاد و توجه و آفری به تمدن غرب داشتند و درس‌های مهندسی و علوم پایه را با جدیت تدریس می‌کردند.

وی افزود: در چنین فضایی همت ما چند نفر در مرکز علوم انسانی آن دانشگاه این بود که به این دانشجویان مهندسی که در نوع خودشان بهترین هم بودند، یادآوری کنیم که به هر حال این صنعت، میوه یک درختی است که آن درخت ریشه‌ای دارد و شما باید آن را هم بشناسید.

حداد عادل افزود: این وجه مشترک ما بود در آن هفت سال که در مرکز علوم انسانی سعی می‌کردیم در کنار صنعت که رکن اصلی آن دانشگاه بود و بر جو آن‌جا هم حاکم بود، نامی از سنت را هم ببریم و تلاش کنیم که دانشجویان گوشه چشمی هم به سنت بیندازند. در چنان فضایی، وجود چیتیک یک پدیده غیر متعارف بود، چون در فضایی که همه به سمت آمریکا جهت‌گیری کرده بودند، با فردی روبرو می‌شدند که برخلاف جهت آب شنا کرده و آمریکا را رها نموده و به ایران آمده و با عرفان و اسلام سر و کار دارد و با دانشجویان ایرانی از فرهنگ خودشان می‌گوید. کسی از آمریکا آمده بود و می‌گفت با خودتان آشنا شوید. حضور او یک حجت بود برای دانشجویان.

حداد عادل در این مراسم با اشاره به دیگر مستشرقان بیان داشت: نسبت به مشترکان همواره دو نوع تردید وجود داشته که علت هم داشته، یکی شک سیاسی بوده و دیگری شک درباره درجه دانش و علمیت آن‌ها؛ و این موارد هر دو مصداق‌هایی هم داشته است که این تردید را موجه می‌نماید، اما چیتیک خوشبختانه در معرض



این مولوی پژوه خاطر نشان کرد: سال سوم دانشگاه بیروت بودم، می‌بایست رساله‌ای در زمینه تاریخ اسلام می‌نوشتیم و مشغول جست‌وجوی موضوع بودم برای رساله‌ام. در آن زمان دو درس تاریخ داشتیم، یکی تاریخ عثمانیان و دیگری تاریخ اسلام. هر چه کتاب بود می‌خواندم و دنبال موضوع می‌گشتم، یک فصل از یکی از کتاب‌ها عنوانش تصوف بود که شروع کردم به خواندن آن فصل و پس از آن در طول ۳ ماه در این خصوص مطالعه کردم. سیدحسین نصر آن موقع استاد مهمان دانشگاه بیروت بود. یک روز در خصوص تاریخ اسلام سخنرانی کرد و به تصوف هم پرداخت. من هم دنبال کردم و پس از آن با کتاب‌های نصر آشنا شدم و از آن پس ابن‌عربی را شناختم و در کلاس‌های درس نصر برای ترم بعد هم ثبت‌نام کردم. این اسلام‌پژوه آمریکایی اظهار داشت: ترم بعد به او گفتم که می‌خواهم در خصوص صوفیه مطالعه کنم و او پیشنهاد داد که به ایران بیا و در دانشگاه تهران تحصیل کن و من هم آمدم. در دانشگاه تهران دوران خوبی داشتیم، آمدم و ادبیات فارسی خواندم. من با بدیع‌الزمان فروزانفر درس مثنوی گرفتم و آن سال هم جلال‌الدین همایی، نصر را آورد و او مجدداً آن‌جا هم به ما درس داد. به هر حال خاطرات ایران جز خوبی و مهربانی نبوده و نیست.

## خرمشاهی: بزرگترین خصیصه چیتیک جمع سنت و نوآوری است

بهاء‌الدین خرمشاهی نیز در آیین بزرگداشت ویلیام چیتیک اسلام-شناس و مولانا پژوه آمریکایی گفت: کاری که ویلیام چیتیک در مورد جامی انجام داد به قدری علمی و بی‌نقض است که به جرأت می‌توانم بگویم هیچ کاری در زمینه جامی همتای اثر او ندیده‌ام.

وی افزود: بزرگترین خصیصه ویلیام چیتیک این است که هم سنت‌ها را حفظ می‌کند و هم ابتکار سرشاری دارد. نوجویی او به هیچ وجه در اهمیت ندادن به سنت نیست، او هم سنت را گرمی و والا می‌دارد و هم می‌تواند مفاهیم سنت را در دنیای امروز به مخاطب بفهماناند





هیچ کدام از این دو تردید نبوده و نیست. وی افزود: چیتیک نماد کسی است که در غرب متولد شده و رشد کرده و در عین حال، وقوف عمیق به روح ایمان اسلامی و عقاید اسلامی دارد. به گواهی کلام دکتر نصر: او آن چنان در زبان و ادب فارسی تبحر یافت که فکر نمی‌کنم هیچ کس در مغرب زمین به پای او در تسلط به فارسی محاوره و زبان متون کهن وجود داشته باشد.

غلامعلی حداد عادل خاطر نشان کرد: نکته مثبت دیگر چیتیک آشنایی‌اش با شرق آسیا به برکت همسری با ساچیکو و کوشش ارزشمند خودش است و مکمل جنبه اسلام‌شناسی‌اش است. این زوج برای ایران و اسلام یک سرمایه و امکان ارزشمند برای معرفی این دین آسمانی به غربی‌ها بخصوص در آمریکا مخصوصاً در این زمانه‌ای که فضای بین دو ملت سرشار از دشمنی است، هستند. آمریکا فضای بدی از ایران در اذهان ملتش تصویر کرده و این دو می‌توانند در تصحیح این تصویر بسیار مؤثر و موفق باشند.

وی گفت: در سال‌های پس از انقلاب متأسفانه من کمتر این زوج را دیدم، ولی در سال‌ها پیش از انقلاب اسلامی با یکدیگر حشر و نشر زیادی داشتیم. چیتیک فردی صمیمی، صریح، ساده، پرکار، پاک، عفیف، نجیب و دانش‌پژوهی حقیقی است.

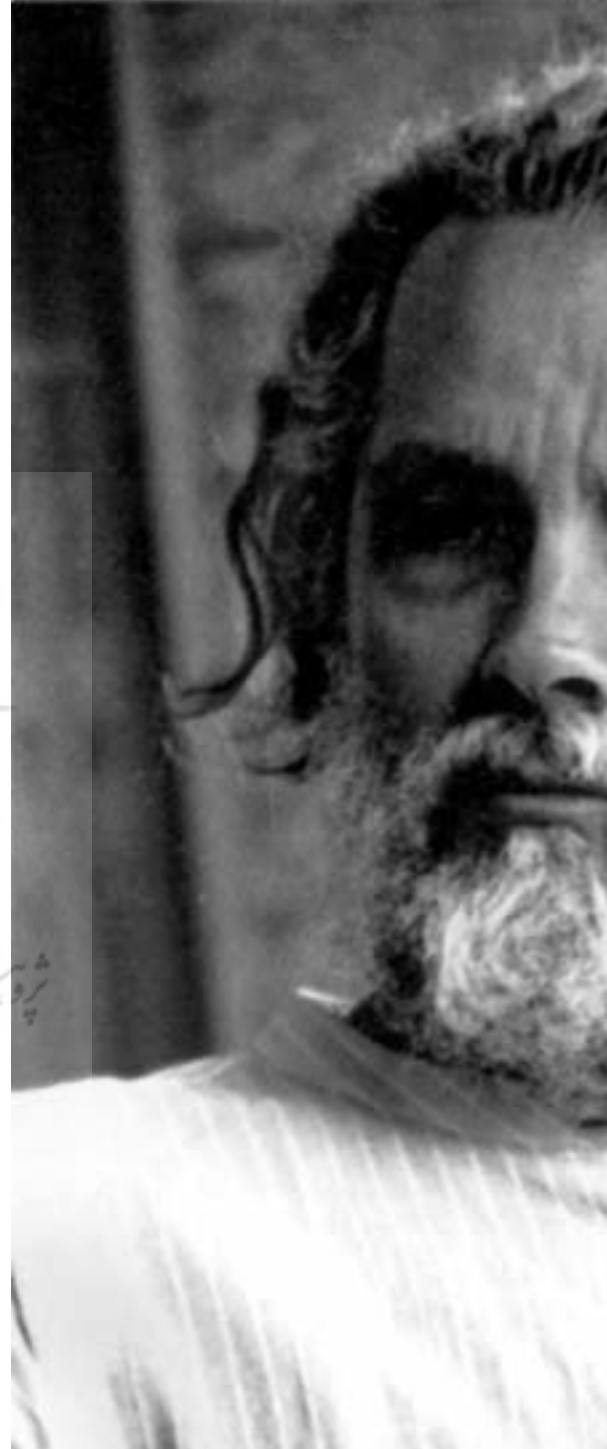
### سیدحسین نصر: او به صورت، آمریکایی و در معنا، ایرانی است

غایب بزرگ این نشست و کسی که اغلب سخنرانان این محفل نامی و یادی از او را بر زبان آوردند، سیدحسین نصر بود، اما همو در کتابی که در آیین بزرگداشت چیتیک، از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر شد، خاطراتی را از خود و چیتیک یادآور شده است: سال ۱۳۴۳ بود و این بنده برای یک سال به دانشگاه آمریکایی بیروت رفته بودم تا «کرسی اسلام‌شناسی آقاخان» را

در آن دانشگاه تأسیس کنم. ضمن تدریس دروسی پیرامون اسلام و تصوف، دانشجویی جوان (که آمریکایی بود) نظرم را جلب کرد؛ نه از جهت آن که بود، بلکه از آن جهت که چه می‌توانست باشد. در وجنات او ذکاوت و اصالت دیده می‌شد و به همین جهت نیز با او رابطه حسی نزدیک ایجاد شد. در ادامه آمده است: بنده در آن زمان مسئول برنامه دکتری دانشجویان خارجی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بودم و از او دعوت کردم تا به تهران آمده و تحصیلات خود را در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی و معارف اسلامی (که به هر دو علاقه‌مند بود) ادامه دهد. او به آمریکا بازگشت و سال آخر دوران لیسانس را با موفقیت به پایان رسانید و سپس به ایران آمد و تا سال ۱۳۵۷ در تهران به تحصیل و سپس تحقیق و حتی تدریس اشتغال داشت.

نصر در ادامه نوشته است: هنگامی که به ایران آمد و پس از چندی که مستقر شد به دفتر من آمد و درخواست راهنمایی علمی کرد. به او گفتم بهتر است کار خود را مخصوصاً در نوشتن رساله دکتری روی عبدالرحمن جامی متمرکز سازد. او کوچک‌ترین آشنایی با جامی و مکتب ابن عربی نداشت، ولی نصیحت بنده را پذیرفت. در آن زمان می‌کوشیدم مکتب ابن عربی را در مغرب زمین بهتر بشناسانم و حدس زدم که او می‌تواند عاملی مؤثر برای نیل به این هدف باشد.

نصر اضافه کرده است: چند سال بعد او یکی از بهترین رساله‌های دکتری



را در زمینه اندیشه جامی و مخصوصاً تصحیح و تفسیر نقد النصوص نگاشت و در دو دهه اخیر به صورت بزرگترین مفسر ابن عربی و مکتب او در مغرب-زمین درآمد است.

وی افزوده است: در سالیان درازی که در ایران بود با خود، او را به محضر بسیاری از استادان معارف اسلامی مانند علامه طباطبایی و سیدجلال الدین آشتیانی و سیدمحمدکاظم عصار و مرتضی مطهری بردم و او این سعادت را داشت که از محضر برخی از این استادان بزرگ درس عرفان را به شیوه سنتی آن بخواند. فارسی را خوب فراگرفت تا حدی که هنگامی که او را با خود به اماکن متبرکه می بردم، متولیان فکر می کردند او یک رشتی با موی روشن است. در ادامه این نوشته آمده است: او آن چنان در زبان و ادبیات فارسی تبحر یافت که فکر نمی کنم هیچ کس در مغرب زمین به پای او در تسلط بر فارسی محاوره و در عین حال زبان متون کهن برسد. در ایران او توانست از محضر استاد هانری کربن و استاد توشی هیکو ایزوتسو استفاده فراوان کند و نیز از دروس استادان برجسته دانشکده ادبیات در آن زمان مانند بدیع الزمان فروزانفر و جلال الدین همایی و مهدی محقق که بعداً دوستی نزدیک بین آنان ایجاد شد، بهره برد.

وی بیان داشته است: هنگامی که مسئولیت دانشگاه [صنعتی] آریامهر آن زمان و [صنعتی] شریف فعلی بر عهده بنده گذاشته شد، اولین قدم تأسیس یک برنامه در علوم انسانی بود که آن را برای دانشجویان رشته های علمی و

مهندسی ضروری می دانستم و هنوز نیز می دانم. برای تحقق بخشیدن به این هدف از برخی از شاگردان برجسته خود که به مراتب عالیه رسیده بودند درخواست کردم به تدریس در آن دانشگاه بپردازند و در رأس این گروه (دانشمندان جوان) حدادعادل و چیتیک قرار داشتند و از این راه هر دو توانستند تجربه در تدریس فلسفه و معارف اسلامی به دست آورند. نیز پس از تأسیس انجمن [حکمت و] فلسفه (در سال ۱۳۵۳) چیتیک را به آنجا آوردم و او از اعضای فعال انجمن بود.

نصر یادآور شد: از روزی که اشتغال به تدارکات ازدواج ویلیام چیتیک با یکی دیگر از دانشجویان برجسته خود ساجیکو موراتا داشتم تا امروز عمری گذشت. اکنون ویلیام چیتیک به صورت یکی از برجسته ترین استادان اسلام شناسی در آمریکا درآمده و آثار متعددی در زمینه فلسفه و عرفان نگاشته که بین استادان آمریکا بی بدیل است. نیز او همواره یک سفیر فرهنگی برای ایران و معارف این سرزمین عزیز بوده و هست. خداوند به این بنده عنایتی بزرگ عطا فرموده و اجازه داده است شاگردان متعددی تربیت کنم که بعضی از آنها شهرت بین المللی یافته اند.

نصر در ادامه این مطلب آورده است: در بین آنان که با معارف اسلامی و ایرانی سر و کار دارند، ویلیام چیتیک مقامی خاص دارد و افتخار می کنم که توانسته ام سهمی حقیر در تربیت یک چنین دانشمند بزرگی داشته باشم و بسیار خرسندم که اکنون از او تجلیل می شود واقعاً که او یکی از مفاخر علمی ایران است، چون گرچه او در عالم صورت، یک آمریکایی است، در عالم معنا و در روح و فکر خود یک ایرانی اصیل است.

از درگاه پروردگار متعال برای او سلامت و توفیق بیشتر در خدمت به معارف حقه اسلامی و ایرانی دارم ■